

رابطه بهزیستی معنوی با هوش اخلاقی و هدف در زندگی

The Relationship between Spiritual Well-being, Moral Intelligence and Purpose in Life

کح حدیث چراغیان / کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبایی؛
محمدحسین خانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی؛
محمد زارعی توپخانه / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
سیده‌خدیجه مرادیان گیزه‌رود / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان؛

Hadis Cheraghian / M.A. of School Counseling, ATU.

Mohammad Hussein Khani / M.A. of Educational Psychology, ATU.

Mohammad Zareie Tupkhane / PhD Student of Psychology, RIHU.

Seyyida Khadije Moradian Gize-Roud / PhD Student in Educational Psychology, LU.

Abstract

The present study aims at investigating the relationship between moral intelligence, purpose in life and spiritual well-being in high school students. This study is in correlational form and the sample group consisted of 250 high school students from Delfan city, selected through multi-stage cluster sampling. The devices used were the questionnaires of spiritual well-being, moral intelligence and purpose in life. The data were analyzed by SPSS 18 software and simultaneously investigated by using Pearson's correlation test and regression analysis. The results showed that the variables of the study are meaningfully related to

چکیده

هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش اخلاقی و هدف در زندگی با بهزیستی معنوی در دانش‌آموزان دبیرستانی است. این پژوهش از نوع همبستگی است و حجم نمونه پژوهش ۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان دلفان هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، پرسش‌نامه بهزیستی معنوی، هوش اخلاقی و هدف در زندگی بودند. داده‌ها با نرم افزار SPSS ۱۸ تحلیل و با آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون هم‌زمان بررسی شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش از ارتباط معناداری با یکدیگر برخوردارند و هوش اخلاقی و هدف در زندگی به شکلی معنادار بخشی از واریانس

one another, and moral intelligence and purpose in life predict some part of the variance of spiritual well-being meaningfully. In sum, we may say that purposefulness in life and acquiring moral intelligence can lead to spiritual well-being.

Keywords: moral intelligence, purpose in life, spiritual well-being.

بهزیستی معنوی را پیش‌بینی می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که هدفمندی در زندگی و دستیابی به هوش اخلاقی می‌تواند بهزیستی معنوی را به همراه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش اخلاقی، هدف در زندگی، بهزیستی معنوی.

مقدمه

امروزه خلأ وجودی، پدیده بسیار گسترده و شناخته‌شده قرن ما است. بیماران بی‌شماری از احساسی کلی به نام «بی‌معنایی» زندگی رنج می‌برند. این افراد طعمه خلأ درونی و پوچی زندگی شده‌اند. این خلأ وجودی اغلب به شکل ملالت و بی‌حوصلگی پیوسته خودنمایی می‌کند و ماشینی‌تر شدن زندگی امروزی به این بحران شدت می‌بخشد (فرانکل^۱، ۱۹۷۹، ترجمه تبریزی و علوی‌نیا، ۱۳۸۳). هدف و معنا در زندگی^۲ از مهم‌ترین موضوعات دینی، مدیریت، فلسفی و روان‌شناختی است. درباره هدف در زندگی روان‌شناسانی چون آلپورت^۳، لوین^۴، فروم^۵، اریکسون^۶ و یونگ^۷ و فیلسوفان مسلمانی نظیر غزالی، شهید مطهری و علامه طباطبائی (ره) بحث‌هایی را مطرح و بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند (مصلح، ۱۳۸۸).

در قلمرو نظری، فرانکل از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در حیطه معنا و هدف در زندگی است. او مبدع روش معنادرمانی است. از دیدگاه او، مبنای انگیزش و رفتار انسان معطوف به معنا افراد از تنشی که برای هدفی ارزشمند صرف می‌شود، لذت می‌برند. از نظر فرانکل، معنا دانی نیست، بلکه یافتنی است. از دیگر نظریه‌های حیطه معنا در زندگی می‌توان به مدل خودشکوفایی مازلو اشاره کرد. مازلو معتقد است که معنا از طریق خودشکوفایی تحقق می‌یابد. فرد بانگیزه و رشدیافته، در جریان تجارب از خود فراتر می‌رود و می‌تواند معنای زندگی‌اش را دریابد. به اعتقاد مازلو فردی که در پیدا کردن معنای زندگی دچار مشکل شود با تنش‌ها و سرخوردگی‌هایی روبه‌رو خواهد شد (فیروزبخت، ۱۳۷۸).

1. Fronkel, V.E.

2. purpose and mining in life

3. Allport, G.

4. Lewin, K.

5. Fromm, E.

6. Erikson, E.

7. Gung, C.

در عرصه دینی نیز نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می‌دهد که همه جوامع به نوعی به دنبال دین و دینداری بوده‌اند؛ زیرا دین چشم‌اندازی از اهداف زندگی و روش‌های تحقق آن‌ها را به بهترین شکل ممکن ترسیم می‌سازد (داودی، ۱۳۸۳). برای مثال ادیان توحیدی، به ویژه اسلام، با مطرح کردن مفهوم احساس جاودانگی، به صورتی که زندگی انسان در این دنیا خلاصه نشود، زمینه را برای اهداف متعالی انسان فراهم می‌آورند. پر واضح است که در این رویکرد دیگر زندگی امری فراتر از تکرار امور بی‌نتیجه خواهد بود (شرفی، ۱۳۸۴). مطالب گفته‌شده اهمیت و ضرورت معنا در زندگی را با توجه به رویکردهای مختلف نشان می‌دهد. از جمله مفهیمی که با هدف در زندگی رابطه دارد بهزیستی معنوی^۱ است (مونسون^۲، ۲۰۱۳). بهزیستی معنوی می‌تواند حالتی از انعکاس احساسات و رفتارها و شناخت مثبت از روابط با خود، دیگران، وجود متعالی و طبیعت باشد که فرد را به حس هویت، تمامیت، رضایت، لذت، قناعت، زیبایی، عشق، احترام، نگرش مثبت، صلح، آرامش درونی، هدف و جهت‌مندی در زندگی مجهز می‌کند (گومز^۳ و فیشر^۴، ۲۰۰۳). فیشر (۲۰۱۰) در این باره معتقد است که بهزیستی معنوی این را منعکس می‌کند که افراد چگونه در هماهنگی با رابطه با خود (شخصی)، دیگران (جمعی)، طبیعت (محیط زیست) یا خدا (یا وجود متعالی دیگر) زندگی می‌کنند.

بهزیستی معنوی از نظر قرآن کریم عبارت است از اصلاح رابطه میان خود و خدای خود، اصلاح رابطه انسان با خود، اصلاح رابطه با دیگران و اصلاح رابطه با طبیعت در حوزه اندیشه و بینش، عواطف و تمایلات و رفتار و عملکرد (فیروزی، اسماعیلی و معتمدی، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد این تعریف با تعریف فیشر (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

اغلب تعاریف معنویت بر جست‌وجوی برای معنا و هدف تأکید می‌کنند (ون دایرنثویک^۵، ۲۰۱۲). مذهب حس هدفمندی و معناداری را در زندگی ایجاد می‌کند. معنا در زندگی یک متغیر واسطه بسیار مهم بین دینداری و بهزیستی است و ارائه معنا یکی از عملکردهای مهم اغلب ادیان است (کیم - پریئو^۶، ۲۰۱۴). همچنین وابستگی‌های مذهبی به‌طور معناداری عامل پیش‌بینی‌کننده هدف و معنا هستند (اسکلز^۷، سیوتسن^۸، بنسون^۹، رولکپارتین^{۱۰} و

1. spiritual well-being

2. Monson, C.H.

3. Gomez, R.

4. Fisher, J.W.

5. van Dierendonck, D.

6. Kim-Prieto, C.

7. Scales, P.C.

8. Syvertsen, A.K.

9. Benson, P.L.

10. Roehlkepartain, E.C.

سسما^۱، ۲۰۱۴). معنویت بیشتر با انعطاف‌پذیری و خوش‌بینی بالاتر همبستگی دارد (واهیا^۲ و همکاران، ۲۰۱۱) و معنویت موجب تقویت معنای زندگی، عزت نفس و عاطفه مثبت می‌گردد (کشدان^۳ و نزلک^۴، ۲۰۱۲). شواهد، علاوه بر رابطه منفی معنویت با خودکشی و اضطراب (کوئینگ^۵، ۲۰۱۲)، همبستگی مثبت معنویت و سلامت روان را نشان داده‌اند؛ در واقع سطوح بالای معنویت با سلامت روان بیشتری در بزرگسالان همراه است (وانگ^۶، رنو^۷ و سالیکنو^۸، ۲۰۰۶). معنویت همچنین با سطوح بالای معنای زندگی همراه است (آیوزان^۹، چان^{۱۰}، گاردنر^{۱۱} و پراشار^{۱۲}، ۲۰۱۱) و یکی از راه‌های ایجاد معنا و هدف در زندگی است (لیتوینزوک^{۱۳} و گرو^{۱۴}، ۲۰۰۷).

معنویت نه تنها یک زندگی خودبازتاب‌دهنده و هدفمند را پیشنهاد می‌دهد، بلکه با اخلاق و بینش اخلاقی نیز همپوشانی دارد. معنویت به عمیق‌ترین ارزش‌ها و معانی اشاره دارد که افراد در جست‌وجوی آن‌ها زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر، معنویت به نوعی بینش از روح و روان انسان و آنچه به آن کمک می‌کند تا به پتانسیل کامل برسد، اشاره دارد (شلدراک^{۱۵}، ۲۰۰۹).

معنویت بخشی جدایی‌ناپذیر از اخلاق و ارزش‌های انسانی است و در ادیان یکتاپرست اهمیت بالایی دارد. این اهمیت بیشتر از آن جهت است که فطرت آدمی تمایلی بنیادین به ارزش‌های مثبت و مطلوب دارد. یکی از مهم‌ترین آفات که امروزه بشر و حیات انسانی را به شدت تهدید می‌کند، غفلت و بی‌توجهی به مسائل اخلاقی و ارزش‌های معنوی است (نادی و گل‌پرور، ۱۳۹۰). از آنجا که انسان معنوی معرفت‌ویژهای به خدا، انسان و جهان هستی دارد، تلاش می‌کند اعتقادات و باورهای معنوی خود را در اخلاق نشان دهد (عباسی، عزیززی، شمس‌گوشکی، نصری راد و اکبری لاله، ۱۳۹۱)؛ به علاوه مذهب بر اخلاق تأثیر می‌گذارد (واهرام، ۱۹۸۱). همچنین بین بهزیستی معنوی و مسؤولیت‌پذیری، که یکی از مؤلفه‌های اساسی هوش اخلاقی است، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد (احمدی، قدسی و عابدی، ۲۰۱۲)؛ بنابراین به نظر می‌رسد با هوش اخلاقی^{۱۶} رابطه داشته باشد.

بوربا^{۱۷} (۲۰۰۵) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن

1. Sesma Jr, A.

2. Vahia, I.V.

3. Kashdan, T.B.

4. Nezelek, J.B.

5. Koenig, H.

6. Wong, Y.J.

7. Rew, L.

8. Slaikeu, K.D.

9. Ivztan, I.

10. Chan, C.P.

11. Gardner, H.E.

12. Prashar, K.

13. Litwinczuk, K.M.

14. Groh, C.J.

15. Shel Drake, P.

16. moral intelligence

17. Borba, M.

اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. این نوع هوش نوعی جهت‌یابی برای اقدامات است. در واقع این هوش تمام دیگر انواع هوش انسان را در جهت انجام کارهای ارزشمند و انسانی هدایت می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه اصول و اهداف و اقدامات با هم مرتبط‌اند (تورنر^۱ و بارلینگ^۲، ۲۰۰۲). همچنین هوش اخلاقی نشان‌دهنده اشیاق و توانایی فرد برای قرار دادن معیارهای برتر و فراتر از منافع خود است (اسماعیلی طرزی، بهشتی فر و اسماعیلی طرزی، ۱۳۸۹).

هوش اخلاقی ده زیر مجموعه دارد شامل: انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی/مسئولیت‌پذیری (پاسخ‌گویی) در برابر تصمیمات شخصی، خودکنترلی و خودمحدودسازی، کمک به دیگران (قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران)، مراقبت از دیگران (مهربانی)، درک احساسات دیگران (بشردوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع)، (لنیک و کیل، ۲۰۰۵). هوش اخلاقی علاوه بر فراهم کردن چارچوبی قوی برای فعالیت، اصولی دارد که برای موفقیت مداوم و سازمانی و شخصی ضروری است: ۱. درستکاری: یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها؛ ۲. مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را می‌پذیرد؛ ۳. دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر در برابر دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز موقع نیاز با ما همدردی می‌کنند؛ و ۴. بخشش: آگاهی از عیوب و اشتباهات خود و دیگران و بخشیدن خود و دیگران (بوربا، ۲۰۰۱).

در مجموع می‌توان گفت که هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شویم، بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست. آنچه برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم، هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوش‌مندانه و دست‌یابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم (مختاری‌پور و سیادت، ۱۳۸۸).

مرور دقیق پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌هایی در باره هوش اخلاقی، هدف در زندگی و بهزیستی معنوی صورت گرفته است. با وجود این، در جامعه ایرانی، پژوهشی که ارتباط بهزیستی معنوی با هدف در زندگی و هوش اخلاقی را نشان

دهد، یافت نشد. از این رو با توجه به اهمیت هدف در زندگی، بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بهزیستی معنوی با هوش اخلاقی و هدف در زندگی بوده و این فرضیه‌ها بررسی شده است که بهزیستی معنوی با هدف در زندگی و هوش اخلاقی رابطه دارند و بخش معناداری از واریانس آن را تبیین می‌کنند.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی با روش همبستگی است. جامعه آماری از کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ شهرستان دلفان تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای است؛ به این صورت که از مناطق مختلف شهرستان دلفان دو منطقه انتخاب شد. از هر منطقه دو مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس انتخاب و ۲۵۰ پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان توزیع شد. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ و روش همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. **مقیاس هوش اخلاقی:** این مقیاس را لیک و کیل (۲۰۰۵) ارایه کرده‌اند که از ۴۰ سؤال با طیف پنج درجه‌ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب اوقات و تمام اوقات) تشکیل شده است. این پرسش‌نامه هوش اخلاقی را در ۱۰ زیرمؤلفه اهمیت دادن خودجوش به دیگران، عمل کردن مبتنی بر اصول، اقرار به اشتباه، استقامت و پافشاری حرف، قبول مسؤولیت برای خدمت به دیگران، پای‌بندی به عهد، راست‌گویی، مسؤولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، توانایی بخشش اشتباهات دیگران و توانایی بخشش اشتباهات خود مورد سنجش قرار می‌دهد. پایایی این آزمون (۰/۹۴) و روایی صوری و محتوایی آن را متخصصان تأیید کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۸ است (محمودی، سیادت و شادان‌فر، ۱۳۹۱) که در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

۲. **بهزیستی معنوی:** پالوتزیان^۱ و الیسون^۲ (۱۹۸۲) این مقیاس را با ۲۰ ماده ساختند. پاسخ‌گویی به سؤالات به صورت لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم و شامل دو خرده‌مقیاس است. سؤالات فرد مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی است که میزان تجربه فرد از رابطه رضایت‌بخش با خدا را می‌سنجد و سؤالات زوج مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی وجودی است که احساس هدف و رضایت از زندگی را می‌سنجد. پالوتزیان و

1. Paloutzian, R.F.

2. Ellison, C.W.

الیسون (۱۹۸۲) طی پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ بهزیستی معنوی را ۰/۹۳ گزارش کردند. این مقیاس را دهشیری، سهرابی، جعفری و نجفی (۱۳۸۶) اعتباریابی کرده‌اند و مقدار ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۰ و میزان ضریب روایی به روش بازآزمایی را ۰/۸۵ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه با روش کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

۳. مقیاس هدف در زندگی (PIL): این پرسش‌نامه را کرامباف و ماهولیک در سال ۱۹۶۹ ساختند که دارای ۲۰ سؤال ۷ درجه‌ای است. مضمون سؤالات این پرسش‌نامه با مفهوم و نظریه درمانی فرانکل هم‌هنگ است. دامنه نمره کل از ۲۰ تا ۱۴۰ است و نمره بالاتر هدف در زندگی و معنای قوی‌تر را نشان می‌دهد (کرامباف و ماهولیک، ۱۹۶۹). در مطالعات داخلی پرسش‌نامه مذکور، روایی آن از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با روش کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد (چراغی، عریضی و فراهانی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز پایایی پرسش‌نامه با روش کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش با تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسش‌نامه، به آزمون فرضیات می‌پردازیم که دارای اهمیت ویژه‌ای در نتیجه‌گیری پژوهش است. در این تحقیق از تکنیک‌های آماری آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه از آمار توصیفی آماری استفاده شده است. نمونه پژوهش حاضر ۲۵۰ شرکت‌کننده است. به منظور تعیین اطلاعات توصیفی متغیرهای مورد پژوهش، شاخص‌های توصیفی در قالب جدول شماره ۱ ارائه شده است. در جدول ۲ نیز شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک پایه تحصیلی

شاخص آماری		پایه تحصیلی
درصد	فراوانی	
۳۱/۱	۷۵	اول
۲۱/۹	۵۳	دوم
۹/۵	۲۳	سوم
۳۷/۳	۹۰	پیش‌دانشگاهی
۱۰۰	۲۵۰	مجموع کل

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	متغیرهای پژوهش	
۳/۰۴	۱۳/۵۶	اهمیت دادن خودجوش به دیگران	
۲/۸۱	۱۳/۸۶	عمل کردن مبتنی بر اصول	
۲/۸۱	۱۳/۰۶	اقرار به اشتباه	
۲/۶۹	۱۲/۹۴	استقامت و پافشاری حرف	
۲/۷۸	۱۲/۷۱	قبول مسؤلیت برای خدمت به دیگران	هوش اخلاقی
۲/۸۴	۱۴/۳۵	پای بندی به عهد	
۲/۲۵	۱۳/۸۷	راست گویی	
۲/۵۱	۱۲/۹	مسؤلیت پذیری برای تصمیمات شخصی	
۳/۰۳	۱۳/۰۵	توانایی بخشش اشتباهات دیگران	
۳/۲۵	۱۳/۰۱	توانایی بخشش اشتباهات خود	
۸/۷	۴۲/۱	بهزیستی مذهبی	بهزیستی معنوی
۹/۴	۵۴/۲	بهزیستی وجودی	
۸/۸	۹۰/۸	هدف در زندگی	هدف در زندگی

به منظور بررسی ارتباط زیرمقیاس های بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می دهد که بین بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین بین مؤلفه های بهزیستی معنوی و هدف در زندگی رابطه معنادار وجود دارد ($r= ۰/۴۲, P<۰/۰۵$).

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون برای متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱. بهزیستی مذهبی	-		
۲. بهزیستی وجودی	۰/۸۶**	-	
۳. هوش اخلاقی	۰/۳۵**	۰/۳۳**	-
۴. هدف در زندگی	۰/۳۲**	۰/۱۶**	۰/۲۴**

** $P<۰/۰۱$

برای بررسی این فرضیه که آیا هوش اخلاقی و هدف در زندگی می‌تواند بخشی از واریانس بهزیستی مذهبی را تبیین نماید، از روش رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شد. جدول ۴ نتایج تحلیل را نشان می‌دهد که هوش اخلاقی و هدف در زندگی می‌توانند ۱۲/۴ درصد از واریانس بهزیستی معنوی را تبیین نمایند. همچنین ضریب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره هوش اخلاقی مساوی با ۰/۱۲ افزایش در نمره بهزیستی معنوی و یک واحد افزایش در نمره هدف در زندگی برابر با ۰/۳۰ واحد در افزایش بهزیستی معنوی است.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون دو متغیره همزمان

مدل	B	SD	β	R ^۲	F	p	t	p
هوش اخلاقی	۰/۱۲	۰/۰۶۰	۰/۱۲	۰/۱۲۴	۱۷/۵۱	۰/۰۰۱	۲/۱۰	۰/۰۳۶
هدف در زندگی	۰/۳۱	۰/۰۶۳	۰/۳۰				۴/۹۶	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر برای بررسی رابطه هدف در زندگی و هوش اخلاقی با بهزیستی معنوی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوش اخلاقی و هدف در زندگی ارتباط مثبت و معناداری با بهزیستی معنوی دارند و می‌توانند درصدی از واریانس آن را پیش‌بینی کنند. نتایج حاصل از فرضیه اول نشان می‌دهد که هدف در زندگی با بهزیستی معنوی رابطه مثبت معناداری دارد و آن را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های قبلی، از جمله اسکلز، سیوتسن، بنسون، رولکپارتین و سسما (۲۰۱۴)، کیم - پریو (۲۰۱۴)، لیتوینزوک و گرو (۲۰۰۷)، آیوزان چان گاردنر و پراشار (۲۰۱۱)، مونسون (۲۰۱۳)، ونوک^۱ و مارچینکوفسکی^۲ (۲۰۱۴) و ون دایرونیک (۲۰۱۲) همسو است. معنویت هدف در زندگی را تقویت می‌کند و هدف در زندگی به‌طور معناداری با معنویت مرتبط است (ون دایرونیک، ۲۰۱۲). هدف در زندگی بین تجارب معنوی با رضایت از زندگی و عاطفه مثبت نقش واسطه را ایفا می‌کند. در واقع هدف در زندگی باعث بهبود رضایت از زندگی و عاطفه مثبت می‌شود و عاطفه منفی را کاهش می‌دهد (ونوک و مارچینکوفسکی، ۲۰۱۴). از آنجایی که معنویت و باورهای دینی با فراهم کردن معنا برای زندگی و حرکت به سوی بهتر شدن همراه است،

داشتن تجربه معنوی باعث هدف در زندگی می شود (مونسون، ۲۰۱۳). همچنین سطوح بالای معنویت (با یا بدون دین) در افراد، با سطوح بالای خودشکوفایی و معنای زندگی همراه است (آیوزان، چان، گاردنر و پراشار، ۲۰۱۱). مذهب حسی از هدف و معنا را ابلاغ می کند. معنا در زندگی یک متغیر واسطه بسیار مهم بین دینداری و بهزیستی است و به این لحاظ، ارائه معنا یک عملکرد مهم در اغلب ادیان است (کیم - پریتو، ۲۰۱۴). دو عامل پیش بینی کننده وابستگی های مذهبی هستند (اسکلز، سیوتسن، بنسون، رولکپارتین و سسما، ۲۰۱۴) به طوری در افراد مبتلا به HIV رابطه معناداری یافت شده است که بین معنویت و معنا در زندگی (لیتوینزوک و گرو، ۲۰۰۷) یافته ها نشان می دهند که حضور معنا در زندگی مانند مسیری بین معنویت و بهزیستی روان شناختی است و این دو را به هم مرتبط می کند (کومالو،^۱ ویسینگ^۲ و شات^۳، ۲۰۱۴). به علاوه، اغلب تعاریف معنویت بر جست و جوی معنا و هدف تأکید می کنند (ون دایرونیک، ۲۰۱۲). با توجه به نتایج پژوهش های صورت گرفته، به نظر می رسد بهزیستی معنوی و معنا و هدف در زندگی جهت و سوی زندگی را مشخص می کند. دین برای انسان ها چارچوبی را فراهم می کند که کل هستی را بر اساس آن تفسیر و حالات مختلف احساسی را درک پذیر می کند. سست شدن پای بندی دینی منجر به سردرگمی و تشویش می شود و بی معنایی و بی هدفی به دنبال آن می آید. از این رو یکی از اهداف دین، کاهش اضطراب و حل مسائل معنا بخشی بشر است؛ دین عامل اصلی خلق ارزش ها و هنجارهای عملی برای معنایابی است.

از دیگر نتایج این پژوهش رابطه مثبت و معنادار هوش اخلاقی با بهزیستی معنوی است و نشان می دهد که هوش اخلاقی بهزیستی معنوی را پیش بینی می کند. این یافته با پژوهش های قبلی، از جمله با هوبر^۴ و مک دونالد^۵ (۲۰۱۲)، یانگ^۶، کشول^۷ و ولینگتن^۸ (۱۹۹۸)، باتسون^۹ و همکاران، (۱۹۸۹)، واهرام (۱۹۸۱)، نادای و گل پرور (۱۳۹۰) و عباسی و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. نتایج پژوهش یانگ، کشول و ولینگتن (۱۹۹۸) نشان داد که معنویت با اخلاق رابطه دارد. مشخص شده است که دلسوزی یکی از متغیرهای هوش اخلاقی است که با شناخت معنوی غیر مذهبی و تجارب معنوی رابطه مثبت قابل توجهی دارد. از سوی دیگر، نودوستی نیز ارتباطی قوی با تجارب معنوی دارد که پس از شناخت معنوی رخ می دهد. در واقع شناخت معنوی غیر مذهبی و تجارب معنوی قوی ترین پیش بین

1. Khumalo, I.P.

2. Wissing, M.P.

3. Schutte, L.

4. Huber, J.T

5. MacDonald, D.A

6. Young, S.J

7. Cashwell, C.S

8. Woolington, J.V.

9. Batson, C.D.

دلسوزی هستند (هوبر و مک دونالد، ۲۰۱۲). مذهب فرایندهای شناختی را در بر دارد که با اخلاق مرتبط هستند (واهرام، ۱۹۸۱)، در نتیجه، افراد مذهبی بیشتر قابل اعتمادند (باتسون و همکاران، ۱۹۸۹).

به نظر می‌رسد دانش‌آموزانی که به اصول، عقاید و ارزش‌ها پای‌بندند، از اصول اخلاقی نیز پیروی می‌کنند و از هوش اخلاقی بالایی برخوردارند. این امر موجب شده که ارتباط معنادار و مثبتی بین بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی برقرار باشد و هوش اخلاقی بتواند بخشی از واریانس بهزیستی معنوی را تبیین کند.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوش اخلاقی و هدف در زندگی می‌توانند بهزیستی معنوی را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد بتوان از هوش اخلاقی و هدف در زندگی برای ارتقای بهزیستی معنوی استفاده کرد. محدودیت این پژوهش جامعه پژوهش است که دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهرستان دلفان هستند و تعمیم‌دهی آن به سایر جوامع باید با احتیاط صورت گیرد. محدود بودن جامعه آماری به شهر دلفان، یک مقطع تحصیلی و یک مقطع زمانی از دیگر محدودیت‌هایی هستند که هنگام تعمیم‌دهی نتایج باید مورد توجه قرار گیرند. از دیگر محدودیت‌های پژوهش کمبود پیشینه پژوهش، به‌ویژه در زمینه هوش اخلاقی، است؛ از این رو به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که پژوهش در این زمینه را گسترش دهند. با توجه به اینکه هوش اخلاقی قابل آموزش است، شایسته است که در مدارس کارگاه‌های آموزش هوش اخلاقی دایر شود. همچنین با توجه به نقشی که آموزش و پرورش در پرورش معنویت و بهزیستی معنوی دارد، به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود زمینه‌های تقویت معنویت را فراهم کنند.

منابع

- اسماعیلی طرزی، زهرا؛ بهشتی فر، ملیکه و اسماعیلی طرزی، حمیده (۱۳۸۹)، «رابطه هوش اخلاقی با میزان اعتمادآفرینی مدیران»، *فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۸(۱)، ۷۰-۸۴.
- چراغی، مونا و مولوی، حسین (۱۳۸۷)، «ارتباط بین ابعاد مختلف مذهب و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *تحقیقات آموزشی و روان‌شناسی*، ۲(۲)، ۱-۲۲.
- داودی، محمد (۱۳۸۳)، *تربیت دینی*، ج ۲، قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- دهشیری، غلامرضا؛ سه‌رایی، فرامرز؛ جعفری، عیسی و نجفی، محمود (۱۳۸۶)، «بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس بهزیستی معنوی در بین دانشجویان»، *فصل‌نامه مطالعات روان‌شناختی*، ۴(۳)، ۱۳۰-۱۴۴.

دیانی، محمود (۱۳۹۰)، «معنای زندگی از منظر سید محمدحسین طباطبایی»، فصل نامه پژوهش های فلسفی - کلامی، ۱۲(۴)، ۲۳-۳۷.

شرفی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تأملی نقد گونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل»، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۳۵(۹)، ۲۹-۵۰.

عباسی، محمود؛ عزیزی، فریدون؛ شمس گوشکی، احسان؛ ناصری راد، محسن و اکبری لاله، مریم (۱۳۹۱)، «تعریف مفهومی و عملیات سازی سلامت معنوی: یک مطالعه روش شناختی»، فصل نامه اخلاق پزشکی، ۶(۲۰)، ۱۱-۴۴.

فرانکل، ویکتور (۱۹۷۹)، فریاد ناشنیده برای معنا، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا (۱۳۸۳)، تهران: فراروان.

فرانکل، ویکتور، خاطرات دکتر فرانکل، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۸)، تهران: رشد.

فیروزی، رضا؛ اسماعیلی، مصطفی و معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲)، «مفهوم شناسی سلامت از دیدگاه قرآن و حدیث»، فصل نامه فقه پزشکی، ۱۶(۵)، ۴۵-۶۶.

منز، تدئوس (۲۰۰۷)، «معنای زندگی»، ترجمه زهرا رمضان لو (۱۳۹۰)، کتاب ماه دین، ۱۴(۴۵)، ۱۶-۲۷. محمودی، محمدتقی؛ سیادت، سیدعلی و شادان فر، فائزه (۱۳۹۱)، «رابطه مؤلفه های هوش اخلاقی و رهبری تیمی مدیران گروه های آموزشی دانشگاه های شهر زاهدان»، فصل نامه علوم تربیتی، ۱۹، ۱۰۷-۱۲۶. مختاری پور، مرضیه و سیادت، سیدعلی (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه های ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)»، دوفصل نامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان شناسی، ۴(۱۳)، ۹۷-۱۱۸.

مصلح، علی اصغر (۱۳۸۸)، تقریری از فلسفه اگزیستانس، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.

نادی، محمد علی و گل پرور، محسن (۱۳۹۰)، «روابط ساده و ترکیبی مؤلفه های معنویت با وفاداری در محیط کار»، فصل نامه اخلاق در علوم و فناوری، ۶(۲)، ۱۳-۲۱.

Ahmadi, A., Ghodsi, A., & Abedi, M.R. (2012), "The relationship between spiritual intelligence and taking responsibility with life quality", *European journal of natural and social sciences*, 2(3), 391-400.

Batson, C.D., Oleson, K.C., Weeks, J.L., Healy, S.P., Reeves, P.J., Jennings, P., & Brown, T.(1989), "Religious pro social motivation: Is it altruistic or egoistic?", *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(5), 873-884.

Bekoff, M., & Pierce, J. (2009), *Wild justice: the moral lives of animals*,

Chicago, university of Chicago press.

Borba, M. (2001), “*The step-by-step plan to building moral intelligence*”, Available from: URL: <http://www.parentingbookmark>.

Fisher, J.W. (2010), *Spiritual health: Its nature and place in the school curriculum*, UOM Custom Book Centre.

Gomez, R., & Fisher, J.W. (2003), “Domains of spiritual well-being and development and validation of the spiritual well-being questionnaire”, *Personality and individual differences*, 35(8), 1975-1991.

Huber, J.T., & MacDonald, D.A. (2012), “An investigation of the relations between altruism, empathy, and spirituality”, *Journal of Humanistic Psychology*, 52(2), 206-221.

Ivtzan, I., Chan, C.P., Gardner, H.E., & Prashar, K. (2011), “Linking religion and spirituality with psychological well-being: Examining self-actualization, meaning in life, and personal growth initiative”, *Journal of religion and health*, 1-15.

Kashdan, T.B., & Nezlek, J.B. (2012), “Whether, when, and how is spirituality related to well-being? Moving beyond single occasion questionnaires to understanding daily process”, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(11), 1523-1535.

Kim-Prieto, C. (2014), *Religion and Spirituality Across Cultures*, Springer Netherlands.

Koenig, H.G. (2012), *Religion, Spirituality, and Health: The Research and Clinical Implications*, ISRN psychiatry.

Khumalo, I.P., Wissing, M.P., & Schutte, L. (2014), “Presence of meaning and search for meaning as mediators between spirituality and psychological well-being in a South African sample”, *Journal of Psychology in Africa*, 24(1), 61-72.

Lennick, D., & Kiel, F. (2005), *Moral Intelligence: Enhancing Business Performance & Leadership Success*, Pennsylvania: Wharton School.

Litwinczuk, K.M., & Groh, C.J. (2007), “The relationship between spirituality, purpose in life, and well-being in HIV-positive persons”, *Journal of the Association of Nurses in AIDS Care*, 18(3), 13-22.

Monson, C.H. (2013), “*Spiritual Flow: The Influence of Religious Experience on Psychological Well-being*”, <http://hdl.handle.net/10484/4756>

Paloutzian, R.F., & Ellison, C.W. (1983), “*Loneliness, spiritual well-being, and quality of life*”, In L.A. Perlman PD. (Eds.), *Loneliness: A Sourcebook For Current Theory, Research, and Therapy*, New York: Wiley Inter science.

Scales, P.C., Syvertsen, A.K., Benson, P.L., Roehlkepartain, E.C., & Sesma J.R. A. (2014), “*Relation of Spiritual Development to Youth Health and Well-Being: Evidence from a Global Study*”, In *Handbook of Child Well-Being* (pp.1101-1135), Springer Netherlands.

Sheldrake, P. (2009), “*A brief history of spirituality*”, Wiley.com.

Turner, N., & Barling, J. (2002), “Transformational leadership and moral reasoning”, *Journal of Applied Psychology*, 87(2), 304-31.

Vahia, I.V., Depp, C.A., Palmer, B.W., Fellows, I., Golshan, S., Thompson, W., & Jeste, D.V. (2011), “Correlates of spirituality in older women”, *Aging & mental health*, 15(1), 97-102.

Van-Dierendonck, D. (2012), “Spirituality as an essential determinant for the Good Life, its importance relative to self-determinant psychological needs”, *Journal of Happiness Studies*, 13(4), 685-700.

Wahrman, I.S. (1981), “The relationship of dogmatism, religious affiliation, and moral judgment development”, *The Journal of Psychology*, 108, 151-154.

Wnuk, M., & Marcinkowski, J.T. (2014), “Do existential variables mediate between religious-spiritual facets of functionality and psychological wellbeing”, *Journal of religion and health*, 53(1), 56-67.

Wong, Y.J., Rew, L., & Slaikau, K.D. (2006), “A systematic review of recent research on adolescent religiosity/spirituality and mental health”, *Issues in Mental Health Nursing*, 27(2), 161-183.

Young, S.J., Cashwell, C.S., & Woolington, J.V. (1998), “The relationship of spirituality to cognitive and moral development and purpose in life: An exploratory investigation”, *Counseling and Values*, 43(1), 63-70.